

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نورالله وثوق
چهار شنبه، ۱/۲/۱۳۸۹

شعر امروز افغانستان

قطب نامردی

بالین دل

دوباره درد وجدان پا گرفته
صدائی در سکوت جا گرفته
نشسته روی بالین دل من
سر فکـر مرا بالا گرفته

خصلت فورانی

ز کوه شعله غیرت، نشانیم
ترا در اوج ذلت می نشانیم
بترس از خصلت فورانی ما
که ما خاکستر آتش فشانیم

پرواز ممنوع

شما چون ما و ما همچون شما
چرا در بند سودای مشائیم
ولو پرواز دلها گشته ممنوع
خوشا تا آسمان را در گشائیم

جهان آرا

بیا تا شاهـد پرواز باشیم
جهان آرای فکر باز باشیم
سرانجام نشستن پای مرگ است
ستادن را بیا آغاز باشیم

نگاه فکر

در دنیا به رویت بسته تا کی؟
روند زندگی آهسته تا کی؟
تکوانی ده نگاه فکر خود را
ز دست ناروانی خسته تا کی؟

سرگردان

چه سرگردان به میدان هوائیم
جهانی در کجا و ما کجائیم
به اوج کهکشانها پرگرفتند
من و تو بسته بی دست و پائیم

بمب ذلت

بیا پرواز را از سر بگیریم
به اوج زندگی سنگر بگیریم
نشسته تا به کی در کنج حیرت؟
چرا از بمب ذلت در بگیریم

قطب نامردی

سر مرز جنوبی چون و چند است
شمال زندگی در قید بند است
غبار قطب نامردی ز هر سو
برای مرگ هوش ما بلند است

آواز ناز

چه زیبا رنگ باز همگرایی
نمای لحظه ساز همگرایی
تماشائی بود هنگام پرواز
پر آواز ناز همگرایی

همسایه داری

سخن از برکتِ همسایه داری است
صدای انفجار هر گوشه ساری است
به هر سو خوشه خوشه بمبِ نفرت
نثارِ کوچه های بی قرارِی است

ارغوان گریه

از آنرو دشتِ چشم ما بهاری است
که هر سو ارغوان گریه جاری است
تمام هست و بـــــود ناله ما
ز خیراتِ سرِ همسایه داری است

<http://norollahwosuq.blogfa.com/>